فصلنامه علمی مرمت و معماری ایران
سال نهم، شماره نوزدهم، پاییز ۱۳۹۸

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۷/۱۰
پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۰۵/۰۲

ربع رشیدی و تأملی بر طرح‌های باز آفرینی و مطالعات پیرامونی معاصر*

جواد شکاری نیری* محمود طاووسی** فرهاد فخاری تهرانی***

چکیده

مطالعات میدانی در سایت ربع رشیدی تبریز، تناقضاتی را آشکار کرده و نظرات ارائه‌شده را با چالش جدی مواجه ساخته‌اند؛ که یکی، عدم انطباق اطلاعات نقشه‌های جغرافیایی موجود و چاپ‌شده با مکان مورد بحث بود، نکته دوم، عدم انطباق طرح‌های بازآفرینی ارائه‌شده در مکان موجود فعلی با واقعیت، مقیاس و اصل اوصاف ربع رشیدی در وقف‌نامه و سوانح‌الافکار و سایر اسناد و مدارک تاریخی است. مطالعات و بررسی‌های پژوهش حاضر، نتایج مطالعات قبلی را مورد تردید جدی قرار داده و چند سؤال ایجاد کرده‌اند؛ اول این‌که آیا مکان محصور فعلی موسوم به قلعه رشیدی، همان اصل ربع رشیدی بوده یا بخشی از آن مجموعه بزرگ بوده است؟ فرضیه اول پژوهش؛ ربع رشیدی موصوف در وقف‌نامه با وسعت بسیار، نمی‌تواند در مکان محصور و محدود چند هکتاری فعلی بگنجد. سؤال دوم؛ برج بزرگ جنوب قلعه که قبلاً رصدخانه فرض شده بود، بر خلاف معمول، چرا در پایین‌ترین قسمت ساخته شده است؟ فرضیه دوم؛ برج رصدخانه معمولاً در بالاترین سطح محدوده ساخته می‌شود، لذا برج مذکور، کاربری رصدخانه نداشته و فقط دفاعی بوده است. نتایج پژوهش مشخص نمودند که مکان موجود فعلی قلعه رشیدی بر خلاف تصور قبلی، نمی‌تواند کل ربع رشیدی باشد، بلکه جزئی از رشیدآباد است. نقشه‌های تاریخی و اسناد و روایت‌های مردم محل، این مکان را به‌عنوان قلعه رشیدی معرفی می‌کنند. پژوهش حاضر، طرح کامل برج و باروی قلعه دستکاری‌شده در عصر صفوی را به‌دست آورده و طرح سه بعدی آن را نیز بازآفرینی نموده است. کلیات اصیل طرح روضه ربع رشیدی و فضاهای معماری نیز با مراجعه به متن وقف‌نامه، به‌صورت جدول استخراج شده و به نمودار تبدیل شدند. با استفاده از آنها، نقشه روضه بر اساس یک مقیاس حدودی نزدیک به واقع، ترسیم شد. تحقیقات میدانی نشان داده که در سطح زمین، آثار چندانی از ربع رشیدی موصوف وقف‌نامه باقی نمانده‌اند. هدف از انتشار نتایج تحقیق، بیان واقعیت‌ها و حقایق ربع رشیدی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پدیده‌های علمی و آکادمیک ایران در قرن هشتم ه.ق بوده که بر اساس نقد اصولی و شناختی مستند، انجام شده است.

کلیدواژه‌ها: وقف‌نامه ربع رشیدی، دژ رشیدآباد، نقشه سرهنگ قراجه داغی، تناقضات طرح ویلبر، شهرستان رشیدی

---

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری جواد شکاری نیری با عنوان «بررسی مجموعه علمی مذهبی و تحقیقاتی ربع رشیدی» به راهنمایی دکتر محمود طاووسی در دانشگاه تربیت مدرس است.

** استادیار، گروه مرمت و احیای بناهای تاریخی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین (نویسنده مسئول)
shekari@arc.ikiu.ac.ir
*** استاد، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس
tavoosimahmoud@yahoo.com
**** دانشیار، دانشکده معماری، دانشگاه شهید بهشتی
yahoo.com@ fakhari tehrani

مقدمه

دو شهرک اقماری در دو طرف تبریز، بر اساس یک ایده منطقی شهرسازی در زمان غازان خان احداث شدند که یکی، شنب غازان در سمت غرب و دیگری، ربع رشیدی در شرق تبریز بود. وضعیت ساختمانی شنب غازان نیز به‌رغم شهرت بسیار، به‌دلیل از بین رفتن آثار فیزیکی آن، در پرده ابهام بوده و حتی تفسیرهای متفاوتی از مفهوم نام آن ارائه می‌شدند. عمده تحقیقات انجام‌یافته در این مکان، بر پژوهش‌های دونالد ویلبر و مینوی متکی بوده که در سال ۱۹۳۸، قریب ۸۰ سال قبل، انجام شدند. (Wilber et al., 1938: 247) دونالد ویلبر، یک کروکی مختصر از قلعه رشیدی رسم کرده و آن را کل ربع رشیدی تلقی نمود. اشکال کار در اینجا بود که او، جزئی کوچک و دگرگون‌یافته از اثر در دوره صفوی را، کل مجموعه ربع رشیدی دوره ایلخانی تلقی کرد؛ این مسئله را می‌توان در نقشه‌های ارائه‌شده توسط بلر، هافمن و غیره هم مشاهده نمود که به پیروی از ویلبر پرداختند. روند پژوهش مشخص نمود که جانمایی واقعی مکان موصوف در نقشه‌های معاصر شهری تبریز هم خالی از اشکال نبود (جدول ۱). درصورتی‌که منابع تاریخی؛ به‌ویژه اسناد و نقشه‌های تاریخی، اقوال مردم ساکن در محل و کالبد آثار موجود، حکایت دیگری را بیان می‌کردند (جدول ۲). مهم‌ترین قسمت فرآیند پژوهش حاضر، زمانی رخ داد که نگارندگان در مطالعات خود در متن وقف‌نامه ربع رشیدی، فضاهایی تحت عنوان دژهای رشیدآباد را ملاحظه کردند (همدانی، ۲۵۳۶ (۱۳۵۶): ۱۹۲) و این فرضیه در ذهن خطور کرد که قلعه فعلی رشیدی، یکی از دژهای موصوف وقف‌نامه بوده که در زمان جنگ ایران و عثمانی توسط شاه عباس، تقویت و بازسازی شده است؛ موضوعی که تا پیش از این، بدان توجه چندانی نشده بود. ناگفته نماند که معدودی از باستان‌شناسان شهر تبریز، چنین حدسی را مطرح کرده بودند، اما مورد توجه قرار نگرفته بود (کارنگ، ۱۳۷۴: ۱۶۷). فرآیند این تحقیق معلوم ساخت که ضعف شدیدی در تدقیق موضوع مورد بحث وجود دارد؛ زیرا مشخص شد که حتی جانمایی مکان قلعه رشیدی در نقشه‌های رایج موجود، به‌درستی صورت نگرفته است (جدول ۱). مکانی که به‌عنوان ربع رشیدی معرفی شده، در واقع کل ربع رشیدی نبوده، بلکه بخشی دگرگون‌شده از قلعه رشیدی زمان خواجه رشیدالدین است. گر چه نگارنده، رساله دوره دکتری خود را در مورد "ربع رشیدی"، با پیش‌فرض تکمیل پژوهش‌های قبلی شروع کرده و مطالعاتی را آغاز نموده بود، اما در میانه راه، به موارد ذکرشده در فوق برخورد نمود که

جدول ۱. جانمایی غیردقیق قلعه رشیدیه با نام ربع رشیدی در محله صالح‌آباد در نقشه‌های شهر تبریز؛ در حالی که قلعه، در محله یوسف‌آباد قرار دارد (خطای جانمایی حدود ۲ کیلومتر)

نقشه ی توریستی شهرتبریز چاپ آژانس جهانگردی A.T.T.A مقیاس ۱:۶۰۰۰۰	نقشه توریستی سازمان ایرانگردی و جهان گردی آذربایجان شرقی	نقشه شهری طرح جامع تبریز در مقاله دکتر لواسانی
	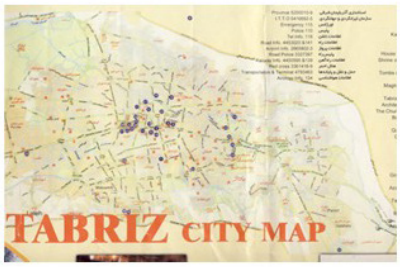	
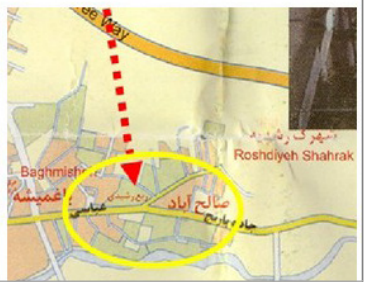		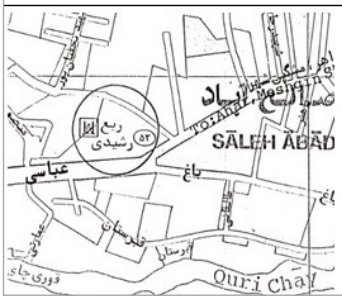

(نگارندگان)

تغییر در مسیر پژوهش را ناگزیر ساخته و فرضیه غیردقیق بودن نظریات ارائه‌شده را تقویت نمود. روش تحقیق، بر اساس پژوهش‌های میدانی و اسنادی بود. محلی که روی نقشه‌های تبریز به‌عنوان "ربع رشیدی" در محله صالح‌آباد معرفی شده بود، به‌صورت پیمایشی جستجو شد؛ اما اثری از ربع رشیدی یافت نشد. در جریان جستجوی میدانی، از رهگذری، نشانی محل ربع رشیدی پرسیده شد، وی مکانی را در محله دیگری با فاصله حدود دو کیلومتر دورتر از محل مورد اشاره در نقشه‌های شهری معاصر تبریز، به‌نام "قلعه رشیدی" آدرس داد (جدول ۱). در این هنگام، عدم انطباق اطلاعات نقشه‌های موجود با مکان واقعی، موجب شکل‌گیری فرضیه جدیدی در ذهن نگارندگان شد که اساس آن، تردید در دقت و صحت نتایج مطالعات و نظرات انتشاری بود؛ زیرا پس از بررسی قلعه، چند سؤال ایجاد شدند: اول این‌که آیا ربع رشیدی موصوف در وقف‌نامه و سوانح‌الافکار رشیدی با آن وسعت بسیار، «سی هزار خانه، هزار و پانصد دکان، بیست و چهار کاروانسرا و یک مجموعه بزرگ علمی پژوهشی و آموزشی، کارخانه‌ها و محلات و غیره» (ابرقوهی، ۱۳۵۸: ۲۸۸)، در این فضای چند هکتاری می‌تواند بگنجد؟ سؤال دیگر، در مورد برج بزرگ جنوبی قلعه بود که برخی آن را رصدخانه فرض کرده بودند (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۴۲). اگر این بنا برج رصدخانه بوده، چرا در پایین‌ترین قسمت ساخته شده که اشراف چندانی هم به آسمان ندارد؟ پیشرفت مطالعات مشخص کرد که مکان مورد تصور به‌عنوان ربع رشیدی، بر اساس متن وقف‌نامه ربع رشیدی -که سندی دست اول است- یکی از قلعه‌های دگرگون‌شده از رشیدآباد است؛ مطلبی که هم متون و هم نقشه‌های تاریخی و اسناد موجود و روایت‌های مردم محل نیز آن را تأیید می‌کردند (جدول ۲). اهالی، امروزه این مکان را به‌عنوان قلعه رشیدی می‌شناسند. نگارندگان، طرح کامل برج و باروی قلعه را به‌دست آورده و به‌صورت سه بعدی آن را بازآفرینی نموده و مشخص ساختند که برج بزرگ مورد اشاره ویلبر، رصدخانه نبوده، بلکه به‌عنوان یکی از مجموعه برج‌های قلعه، فقط عملکرد دفاعی داشته و در زمان صفوی برپا شده است تا سطح آماج افزایش یابد (ترکمان، ۱۳۵۰: ۸۴۹). تحقیقات میدانی نشان می‌دادند که آثار چندانی از اوصاف ربع رشیدی وقف‌نامه در این مکان باقی نمانده‌اند.

جدول ۲. محل قلعه رشیدی (رشیدیه) در نقشه‌های قدیمی تبریز و اسناد محلی با درج نام قلعه

ردیف	نام و توضیحات	کل نقشه و سند	جزییات قلعه رشیدی
۱	نقشه دارالسلطنه تبریز سرهنگ قراجه داغی ۱۲۹۷ه.ق برابر ۱۸۸۰م. معرفی محل در نقشه: « تپه ایست موسوم به قلعه رشیدیه »		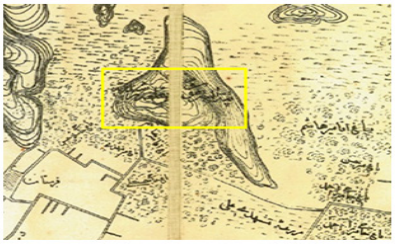
۲	نقشه دارالسلطنه تبریز اسدالله خان مراغه ای ۱۳۲۷ق (۱۹۱۰میلادی) درج «قلعه رشیدیه» در متن نقشه		
۳	سند قطعه زمین غرب قلعه رشیدی که در تاریخ ۱۳۳۸/ ۷/۱۷ خورشیدی به مبلغ ۸۶۴ تومان خریداری شده است .درمتن سند: « تپه قلعه رشیدیه» درج شده		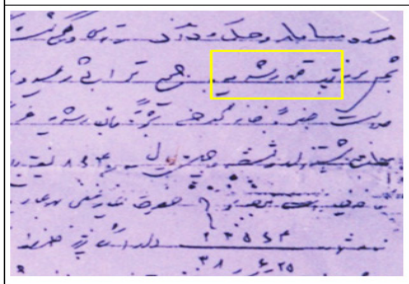

(نگارندگان)

پس از آن، موضوع جانمایی اشتباه قلعه رشیدی با سازمان نقشه‌برداری کشور، در میان گذاشته شد که به اصلاح نقشه‌ها اقدام کردند (شکل ۱). نظرات مختلفی در مورد موجودیت ربع رشیدی وجود داشته و بنا بر پیش‌فرضی، اکثر آنها، قلعه رشیدی موجود در شمال شرق تبریز را کل ربع رشیدی وقف‌نامه تصور می‌کردند. نه‌تنها بررسی‌های میدانی و تحقیقات اسنادی و متون و نقشه‌های تاریخی؛ به‌ویژه وقف‌نامه ربع رشیدی، حتی کاوش‌های باستان‌شناسی (روح‌انگیز، ۱۳۸۵: ۴۵۹) نیز نشان دادند که نظرات رایج در مورد اطلاق ربع رشیدی به قلعه رشیدی، با حقیقت امر سازگاری ندارد. هدف از انتشار نتایج تحقیق، شناخت دقیق‌تر موضوع و تداوم گام‌های علمی برای شناخت کامل‌تر و دور از خطا در مورد اثر بسیار بزرگ و بااهمیت ربع رشیدی است.

پیشینه پژوهش

سابقه پژوهشی در مورد ربع رشیدی را به دو دسته قدیم و معاصر و داخلی و خارجی می‌توان تقسیم کرد که در ابعاد گوناگون آن به بررسی و تحقیق پرداخته‌اند؛ در اینجا جهت رعایت اختصار، برخی از آنها بیان شده که در ارتباط با مباحث معماری و شهرسازی ربع رشیدی هستند. بیشتر مورخین و محققین معاصر خواجه رشیدالدین و دوران ایلخانی و بعد از آن، به‌نوعی به نقل اقدامات رشیدالدین و ربع رشیدی پرداخته‌اند؛ محمد ابرقوهی که در تدوین مکاتبات رشیدی (1945) یا سوانح‌الافکار (۱۳۵۸)، منابع بسیار مهمی را در خصوص کلیات ربع رشیدی به یادگار گذاشته است، وصاف‌الحضره (۱۳۷۲)، حافظ ابرو (۱۳۵۰)، حمدالله مستوفی (۱۳۷۸)، ابوالقاسم کاشانی (۱۳۴۸) و حافظ حسین کربلایی (۱۳۴۹) از آن جمله هستند. دو نفر از محققان و نسخه‌شناسان برجسته کشور؛ مرحوم ایرج افشار و مجتبی مینوی، در تصحیح و انتشار وقف‌نامه ربع رشیدی (۱۳۵۶)، نقش ارزنده‌ای در معرفی پیشبرد تحقیقات داشتند. ژان شاردن (۱۳۴۹) جهانگرد اروپایی، از قدیمی‌ترین جهانگردانی است که ویرانه‌های ربع رشیدی و قلعه رشیدی بازساخت صفوی را بررسی کرده و مطالبی را در سفرنامه خود نقل قول کرده است. نادرمیرزا (۱۳۶۰) نویسنده عصر قاجار، در کتاب خود با عنوان "تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز"، شرحی بر بقایای ربع رشیدی دارد. در میان پژوهشگران معاصر، دونالد ویلبر (۱۳۶۵)، بر مباحث معماری و بقایای ربع رشیدی متمرکز شده است. ویلبر و مینوی (1938)، قلعه رشیدی را ربع رشیدی زمان خواجه فرض کرده و نقشه‌ای هم از آن منتشر کردند. محققانی چون؛ خانم شیلا بلر (1984)، بریژیت هافمن (2000)، احمد سعیدنیا (۱۳۷۹؛ ۱۳۸۱) و بعدها آزیتا بلالی اسکویی و همکاران (۱۳۸۹) هم به جمع پژوهشگران عرصه ربع رشیدی پیوسته و بدون در نظر گرفتن خیلی از موارد از جمله؛ عدم امکان گنجایش شهرستان و ربع رشیدی در سایت قلعه فعلی،

شکل ۱. نقشه جدیدتر تبریز، اصلاح جانمایی قلعه در مکان اصلی، از نوک فلش به سمت دایره (سازمان نقشه‌برداری کشور، ۱۳۸۱)

متعاقب نظر ویلبر، سعی کردند طرحی از ربع رشیدی را بر نقشه همان مکان قلعه ارائه کنند. سازمان میراث فرهنگی، گمانه‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی را در محل قلعه رشیدی به سرپرستی خانم لاله روح‌انگیز، از باستان‌شناسان کشورمان، انجام داد (روح‌انگیز، ۱۳۸۵: ۴۵۹) و یافته‌های ایشان نیز در راستای تأیید نظرات نگارندگان قرار داشته که قبلاً بر اساس بررسی‌های باستان‌شناسی و مطالعات تاریخی و اسنادی بدان رسیده بود. برج و باروهای موجود در این محوطه، مربوط به قلعه دوران صفوی بوده و بقایای قسمت‌هایی از شهرستان رشیدی، زیر ویرانه‌های قلعه عباسی قرار دارند. کاوش‌های وی نشان داده که آثار ربع رشیدی دوره ایلخانی، در عمق ۳ تا ۶ متری از سطح زمین واقع هستند (همان: ۴۵۷).

روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش، تحلیلی و قیاسی است. انجام بررسی‌های باستان‌شناسی میدانی روی بقایای موجود، بررسی و مقایسه نقشه‌های تاریخی و استخراج نتایج آنها همراه مطالعه منابع اصیل بنیان‌گذار ربع رشیدی؛ به‌ویژه وقف‌نامه ربع رشیدی و مکاتبات رشیدی و سایر منابع تألیفی او و مطالعه گسترده منابع تاریخی و بررسی مقایسه و تطبیق داده‌های اسناد و مدارک اصیل پژوهش با مکان موجود و تحلیل نتایج داده‌ها با تحقیقات انجام‌یافته بر اساس مقایسه تلفیقی چند جانبه، برای نتیجه‌گیری صحیح‌تر و کامل‌تر است. کنار هم قرار دادن نتایج بررسی‌های محققان پیشین و واقعیت‌های موجود سایت فعلی قلعه موسوم به ربع رشیدی همراه با مدارک و شواهد متقن بر اساس جداول، از ویژگی‌های اصلی این پژوهش هستند و مطالعه دقیق‌تر وقف‌نامه ربع رشیدی و سایر منابع موجود زمان خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی که اصیل‌ترین سند در این مقوله بوده و استخراج میزان و وضعیت فضاهای ذکرشده در مورد ربع رشیدی و تبدیل داده‌های آنها به‌صورت جداول ۳ و ۴، نمودارها و نقشه‌ها و استخراج مقیاس حدودی و حدس موقعیت استقراری فضاهای معماری و تبدیل آنها به نقشه‌های شماتیک، از دیگر وجوه تمایز تحقیق حاضر هستند. مقایسه داده‌های اصیل‌ترین منابع باقی‌مانده از رشیدالدین، دامنه مشکلات پژوهش‌های انجام‌یافته را مشخص ساخت که در ذیل ارائه شده‌اند.

بررسی موضع ربع رشیدی در نقشه‌های تاریخی و معاصر

بررسی‌های میدانی، اشکالاتی را در جانمایی مکان ربع رشیدی در نقشه‌های رایج، آشکار ساختند (جدول ۱). اشکال اول این بود که کلمه ربع رشیدی به‌جای قلعه رشیدی، در فاصله‌ای ۲ کیلومتر دورتر از مکان اصلی و در انتهای تقاطع سه راه محله صالح‌آباد درج شده بود (جدول ۱)؛ درصورتی‌که، سوژه، در محله یوسف‌آباد قرار داشت (شکل ۱). اطلاعات غیردقیق مندرج آنها، موقع بررسی میدانی، نگارندگان را در لحظات نخست سردرگم ساخت. برای بررسی موقعیت صحیح مکان، نخست به نقشه‌های تاریخی و طرح‌های باقی‌مانده از شهر تبریز زمان گذشته مراجعه شد؛ یکی از قدیمی‌ترین آنها، طرح‌ها و نقشه‌های ژان شاردن است که زمان شاه سلیمان صفوی تهیه شد و طرح وی گر چه موقعیت شنب غازان را به‌وضوح نشان داده است (شکاری نیری، ۱۳۸۴: ۷۸)، اما طرحی از ربع رشیدی ندارد (شاردن، ۱۳۴۹). در نقشه ترسیمی روس‌ها به سال ۱۸۲۷ م. از شهر تبریز و حومه آن، گر چه موقعیت توپوگرافی قلعه رشیدی تا حدودی پیدا بوده، ولی نامی از آن برده نشده است (مهریار و همکاران، ۱۳۷۸: ۹۲). در این میان، دو نقشه ارزشمند از عصر قاجار وجود دارند که کلمه "قلعه رشیدیه" روی آنها درج شده است؛ از جمله، نقشه سرهنگ قراجه داغی که متعلق به سال ۱۲۹۷ ه.ق. برابر ۱۸۸۰ میلادی بوده و با دقت قابل‌ملاحظه‌ای ترسیم شده است و به‌عنوان معتبرترین نقشه شناخته‌شده عصر قاجار تلقی می‌شود (جدول ۲). محل مورد بحث در روی این نقشه، چنین معرفی شده است؛ «تپه ایست موسوم به قلعه رشیدیه» (فخاری تهرانی و همکاران، ۱۳۸۵: ۴۴). مورد دیگر، نقشه اسدالله خان مراغه‌ای است که در سال ۱۲۹۸ ه.ق. (۱۹۱۰ م.) ترسیم شده و نام محل به‌صورت "قلعه رشیدیه" بر روی نقشه درج شده است (فخاری تهرانی، ۱۳۷۹: ۱۷۸). نقشه دیگری به‌نام خریطه تبریز در حال انقلاب به سال ۱۳۲۶ ه.ق. برابر ۱۹۰۸ میلادی تهیه شده است که توپوگرافی تپه در آن ترسیم شده، اما اسمی روی آن نوشته نشده است. نقشه اخیر، آرایش نیروهای مشروطه و ارتش حکومتی را در دو طرف مهران‌رود نشان می‌دهد (بلیلان اصل، ۱۳۹۳: ۴۸). نکته بحث‌انگیز این است که همه مطالعات و پژوهش‌ها، بازسازی‌ها و بازآفرینی‌های ربع رشیدی توسط محققان، بر روی بازمانده قلعه رشیدی معطوف و متمرکز شده بودند. نخستین بار، ویلبر، این نظریه را همراه نقشه‌ای از محل ارائه کرد؛ دیگران نیز در این راه از وی پیروی کردند. نگارندگان نیز ابتدا بر همین محور، فرضیات خود را طرح‌ریزی کرده بودند، اما در میانه راه به‌دلیل مواجه شدن با تناقضات عدیده، مسیر پژوهش را عوض کرده و طرحی دیگر انداختند. ویلبر، نقشه‌ای توپوگرافی از قلعه رشیدی تهیه نمود (شکل ۲).

جدول ۳. مجموعه فضاهای ربع رشیدی بر اساس وقف‌نامه ربع رشیدی. تصور امکان گنجایش این فضاها داخل قلعه رشیدی حتی بدون در نظر گرفتن وضعیت توپوگرافی، بسیار مشکل است.

ردیف	مجموعه‌های اصلی ربع	اجزاء فضاها و مواضع مندرج درمتن وقفنامه		
۱	روضه	کتابخانهٔ ایمن (منقولات)	گنبد (دارالحفاظ) خانه کلیدار خانهٔفراش	کتابخانهٔ ایسر (معقولات)
		مسجد صیفی، سقایه	دارالمصاحف وکتب الحدیث	مسجد شتوی (سرابستان پشت گنبد)
		۱- درگاه ایمن اتاق نواب ۲- درگاه ایسر خانهٔ بواب	حجرهٔ بزرگ حوالی صفه بزرگ (۷+۱۰گز)+۱ حجرهٔ کوچک	صحن
		۱۲حجره برای فقها ۳حجره برای فراش	۷ حجره برای مؤذنان ۱حجره برای مرتب +۱۱ حجره؟	مجموع حجرهٔهای روضه =۴
۲	خانقاه	۸حجره(حفاظ)۵ حجره(متفرقه) ۱حجره(فراش) ۱حجره بزرگ ساباوا(کحال)	شاهنشاهی ۱-ازآن صفه ۲- ازآن طنبی۳- ازآن تابخانه تابخانه+مطبخ+زیرزمین	۲عددسراچه جهت انبار اتاق بواب +۱سراچه دردهکین باغچه+طنبی+۲صفه+۲مبرز
۳	دارالشفاء	شرابخانه (داروخانه) محل ساختن ادویه مطبخ بیماران (رواق المبرتبین)	دارالطبیب و۲ سراچه جهت پرستار خازن سراچه محاور جهت فراش مخزنهای داروخانه	داروخانه(۹حجره) ۲حجره جهت متعلم طب ۲حجره جهت کحال و شکسته بند ۵حجره ...
۴	دارالضیافه	جانب مطبخها ایمن مبرز بزرگ جهت مجاوران	جانب ایسر {حجرهاجهت حوایج {سراچه	
۵	حمام	حمام+مسلخ	زیرزمین جهت گنبدکه درآن برابر حمام است (جهت انبارمیوها)	
۶	درگاه‌های اصلی ربع رشیدی	درگاه بیرونی=درگاه اولین (ایمن) درگاه منار، مفتح الابواب = صحن درگاه منار و درگاه دارالضیافه چاه خانه	باب الابواب =قبلا درباغ رشیدآباد به سوی ممر بزرگ سراچه‌ها برسردرگاه بیرونی، چهار صفه‌ها که بر غلام گردش است فرجاب روی به مفتح الابواب دارد (ص۱۹۷)	
۷	دارالمتولی	۲سرای تودرتو با مرافق تحتانی و فوقانی خزانه نقود+زیرزمین		
۸	سرای مشرف و ناظر	دارالمشرف:متصل دارالشفاء و یک جانب با کوی سرای متولی و حد دیگر با بار و حد دیگر با کوچه روضه	سرای ناظربرسردرگاه ایسر روضه عمل استاد حاجی قزوینی	
۹	انبارهای ربع رشیدی	انبارهای گندم، جو، گاورس، آرد، حبوب	حوایج گاه	

(نگارندگان)

تأملی در مطالعات دونالد ن. ویلبر، شیلا بلر و بریژیت هافمن

ویلبر، بقایای موجود قلعه را ربع رشیدی تلقی کرده و نتایج آن را در مقاله مشترکی با استاد مینوی منتشر ساخت. (Wilber et al., 1938: 247) فرض وی، اساس ثبت و تلقی این اثر به‌عنوان مکان اصلی ربع رشیدی شد؛ طوری که بعدها خانم شیلا بلر بر اساس مندرجات وقف‌نامه و با تلفیق نقشه ویلبر، ربع رشیدی در همان مکان قلعه را بازآفرینی نموده و نتایج آن را منتشر نمود (بلر، ۱۳۸۷: ۴۸) (شکل ۳). با تأملی در نقشه تغییریافته ویلبر، توسط شیلا بلر و از طریق مقایسه آنها با هم متوجه می‌شویم که نقشه وارونه بوده و جای شمال و جنوب عوض شده است؛ شاید این اشتباه، به‌دلیل عدم بررسی حضوری او از مکان باشد. وی آشکارا سعی کرده کل فضاهای ذکرشده از مجموعه ربع رشیدی در متن وقف‌نامه را داخل قلعه جانمایی کند (شکل ۳). در واقع این اقدام پایه‌گذاری ساختمان، روی شالوده ناسازگار است. در نقشه ترسیمی خانم بلر، دارالشفا، در بلندترین محل جانمایی شده که بررسی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناختی نشان دادند که آن مکان محدود و مرتفع، برج دیدبانی قلعه است (روح انگیز، ۱۳۸۵: ۴۴۹). گنجایش روضه ربع رشیدی با فضاهای پرتعداد در سطح ناهموار قلعه، امری نامحتمل و غیرممکن است (جدول ۳). مدتی بعد، خانم هافمن هم به چنین کاری اقدام نمود و یک نقشه توپوگرافی کامل‌تری نیز ارائه کرد که نقشه ترسیمی نامبرده عیناً در مقاله حاضر آورده شد (شکل ۴). در نقشه وی، قسمتی از دیوار و برج‌هایی منفرد رسم شده‌اند (Hoffmann, 2000: 115). خانم هافمن نیز

جدول ۴. مجموع وسایل روشنایی فضاهای ربع رشیدی (صفحات ۱۶۹-۱۶۷ وقف‌نامه) امکان حدس وسعت و مقیاس فضاها

نام وسیله روشنایی	مشعل		چراغ		قندیل			
ردیف	نام فضا	تعداد	نام فضا	تعداد	نام فضا	تعداد	نام فضا	تعداد
۱	باب‌الابواب	۱	ممر بزرگ ربع رشیدی	۸	دهلیز روضه	۲	ممر حوض‌خانه	۱
۲	مفتح‌الابواب	۲	کوچه و در دارالمصاحف	۱	دهلیز درگاه ربع رشیدی	۱	مسلخ حمام	۱
۳	در خانقاه	۱	مطبخ خانقاه	۱	دهلیز درگاه متصل منار	۱	مناره	۲
۴	درروضه به دو جانب	۲=۱+۱	ممرکوچهٔ مشرف و رواق‌المرتبین	۱	دهلیز داروخانه	۱	دهلیز خانقاه	۱
۵	در دارالشفا	۱	مطبخ دارالضیافه از دو جانب	۴	دهلیزخانه متولی و رواق‌المرتبین	۱		جمعاً ۴۰ عدد
۶	خارج در سر (درسرای متولی‌آنجا است)	۱	مطبخ داروخانه	۱	دهلیزخانه مشرف	۱		
۷		جمع ۸ عدد	ممرکوچهٔ دارالمتولی	۲	دارالضیافه ایمن و ایسر دهلیزهای آن	۶ ۲		
۸			ممر حوض‌خانه	۱	مسجد روضه که صفهٔ صدر است	۶		
۹			ممر سقایه	۵	صفه خانقاه	۳		
۱۰			حوایج خانه	۱	طنبی و تابخانه خانقاه	۶		
۱۱				جمع ۲۵ عدد	گنبد مسجد (شتوی)	۴		
۱۲					گنبد مدفن	۴		

(نگارندگان)

قلعه مذکور را ربع رشیدی نامیده و برخی برج‌ها را به‌شکل مدور و جدا از هم بازترسیم کرده است (شکل ۴). طبق کتاب خواجه رشیدالدین، اَبواب البِّر روضه، عنصر سازمان‌دهنده کل ربع رشیدی بوده و فضاهای متعددی مانند؛ گنبد یا مقبره خواجه رشیدالدین، کتابخانه، مساجد صیفی و شتوی، خانقاه، دارالشفا، سرابستان، خزانه، انبارها، حمام و سرای متولی همراه دیگر عناصر معماری ربع رشیدی در اطراف صحن آن، شکل گرفتند (همدانی، ۱۳۵۶: ۴۲ و ۱۳۳). عکس هوایی نشان می‌دهد که وضعیت توپوگرافی قلعه، امکان استقرار ربع رشیدی موصوف در نوشته‌های رشیدالدین در سطح قلعه

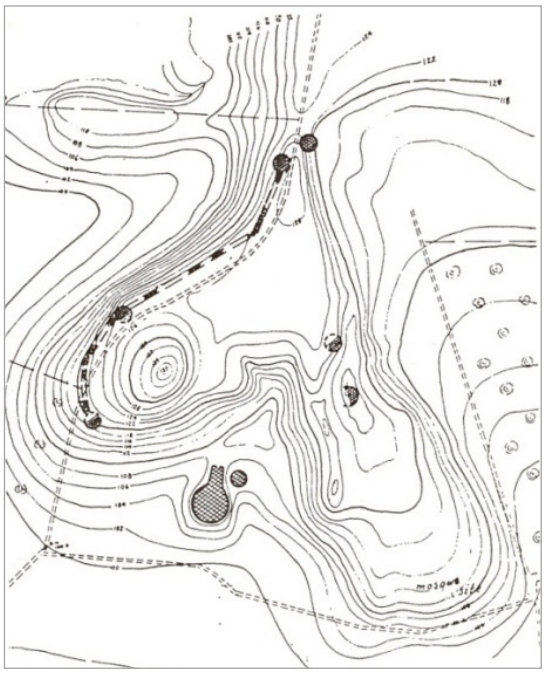

شکل ۲. نقشه قلعه رشیدی از ویلبر (بلر، ۱۳۸۷: ۴۹)

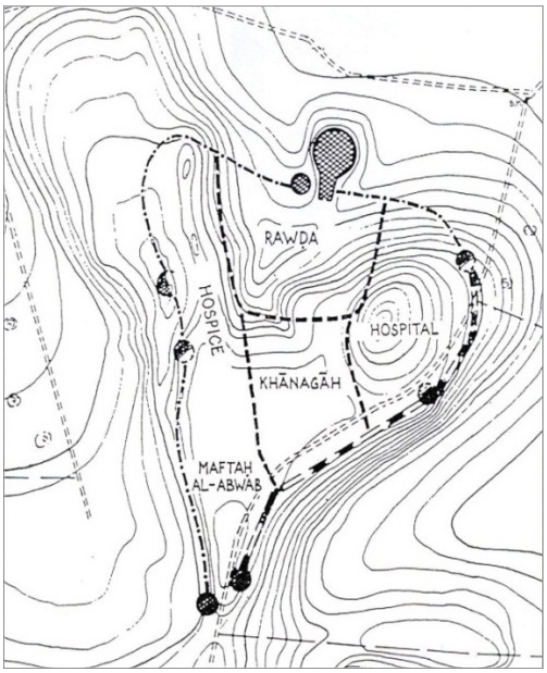

شکل ۳. طرح ربع رشیدی، شیلا بلر، نقشه وارونه است (Blair, 1984: 79)

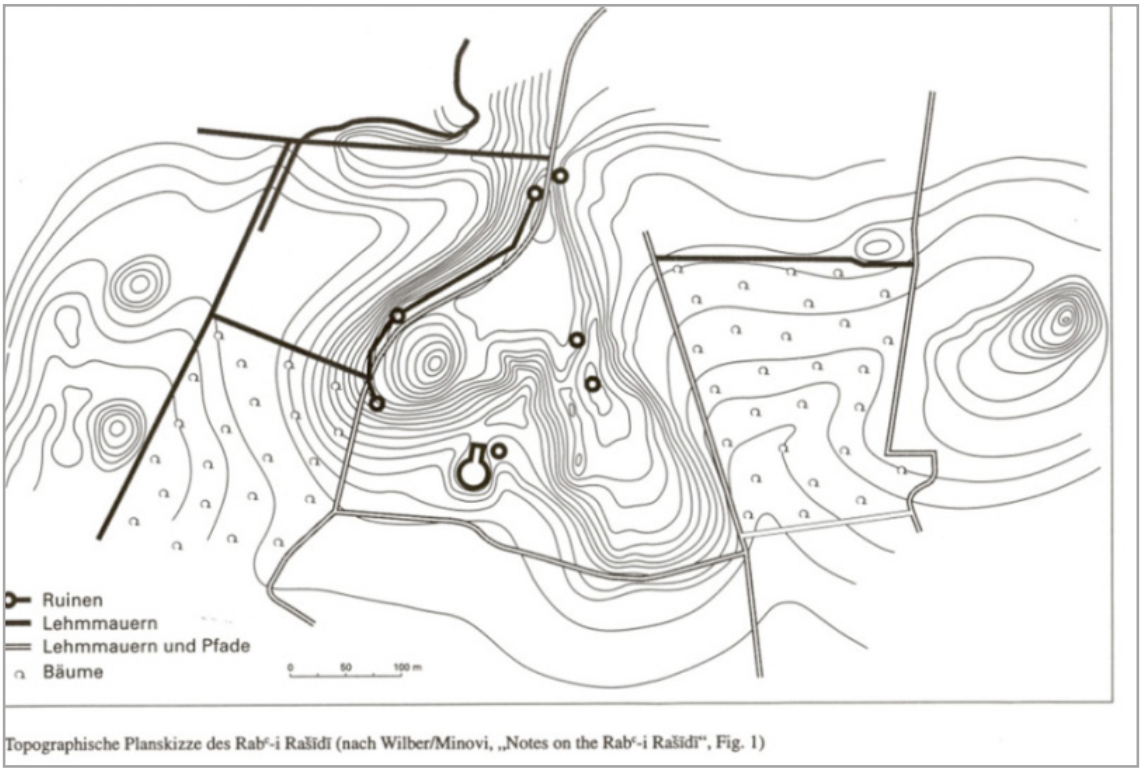

شکل ۴. نقشه هافمن، توپوگرافی و پلان ربع رشیدی (Hoffmann, 2000: 115)

فعلی را منتفی می‌کند. نگارندگان، فضاهای روضه مذکور در وقف‌نامه ربع رشیدی را در جدول قرار داده (جدول ۳) و بر تجسمی از کلیت روضه آن دست یافتند. وقف‌نامه در فصل شانزدهم، قنات‌های رشیدآباد از جمله مقسم‌های کهریزهای رشیدآباد را ۱۴ کهریز با ۱۶ شعبه (لوله) مشخص کرده است. بدیهی است که جاری شدن یک کهریز، برای آبیاری و شرب محدوده قلعه کافی بوده است. این فصل وقف‌نامه، دروازه‌های چهارگانه شهرستان رشیدی و محدوده آنها و سایر محلات را نیز تعیین کرده است. با نگاهی درمی‌یابیم که شهرستان رشیدی، دارای چهار دروازه به نام‌های دروازهٔ موغان، دروازهٔ عراق، دروازهٔ روم و دروازهٔ تبریز است (همدانی، ۱۳۵۶: ۲۱۵-۲۰۴). همه این فضاها و محلات، مجموعه عظیمی را شامل می‌شوند که در قد و قواره قلعه موجود نمی‌گنجد. اشکالات عدیده‌ای در ادامه فعالیت‌های بازآفرینی ربع رشیدی در حال حاضر مشاهده می‌شوند که در سه مورد از آنها، به طرح‌های خانم شیلا بلر به‌عنوان طرح خانم هافمن، استناد است (بلالی اسکویی و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۵ و ۵۶) و جای شگفت است با این‌که خانم بلر قبل از هافمن و اولین کسی است که طرح بازسازی ربع رشیدی را بر اساس وقف‌نامه، مطرح کرده و در مجله ایران به چاپ رسانده (Blair, 1984: 67)، اما مقاله مذکور، بازآفرینی را در سایت قلعه مطرح کرده است. مقاله خانم بلر نیز اخیراً به همین شکل، ترجمه و چاپ شده است (بلر، ۱۳۸۷: ۴۸). کاربرد مصالح ساختمانی و سنگ قبرها در برج بزرگ قلعه رشیدی (شکل‌های ۵ و ۶)، ضمن صحه گذاشتن بر مندرجات عالم‌آرای عباسی، کاربری سایت قلعه رشیدی و ساختار اصیل مکان آن را به‌عنوان قلعه معرفی می‌کند (شکل‌های ۷ و ۸).

ترسیم طرح سه بعدی و کامل قلعه رشیدی

نکته‌ای اساسی پیرامون دژ یا قلعه، در وقف‌نامه ربع رشیدی وجود دارد که گره‌گشا بوده و تا کنون مورد توجه قرار نگرفته است. خواجه رشیدالدین در وقف‌نامه بر وجود دژهایی در رشیدآباد اشاره می‌کند؛ «از صد و پنجاه نفر که باغبان‌اند، صد نفر از ایشان مقرر است که در دژها که در باغ رشیدآباد است، ساکن شوند و در آن دژها مقیم باشند و پنجاه نفر در باغ فتح‌آباد در دژها که در آنجا است مقیم و ساکن باشند» (همدانی، ۱۳۵۶: ۱۹۲). اشاره خواجه رشیدالدین در مورد دژها، نشان‌دهنده این است که در مجموعه رشیدآباد دژهایی وجود داشته‌اند و یکی را که از همه بزرگ‌تر، وسیع‌تر و مناسب‌تر بوده، جهت استقرار ۱۰۰ نفر معین می‌کند. در جایی دیگر، وی از حضور یک اسفهسالار (سپهسالار) و ۹ سرهنگ در ربع رشیدی سخن به میان آورده است (همان: ۲۱۶). سند مهم دیگر، مندرجات کتاب عالم‌آرای عباسی است که در زمان شاه عباس تدوین شده و آشکارا نقل می‌کند که در جنگ با عثمانی، شاه عباس دستور داد برای مقابله با سپاه دشمن، در قلمرو ربع رشیدی و با استفاده از بقایای مصالح ساختمانی آن و ویرانه‌های شنب غازان، قلعه‌ای در این مکان مقابل سپاه عثمانی بسازند که خود تخریب‌های وسیعی در مجموعه ربع رشیدی را موجب شده است (ترکمان، ۱۳۵۰:

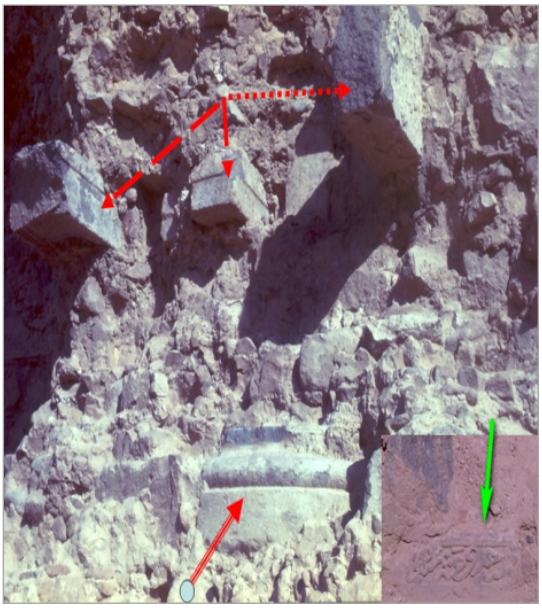

شکل ۵. پایه ستون، سنگ‌های قبور تاریخ‌دار داخل برج بزرگ (نگارندگان)

شکل ۶. بدنه ستون سنگی در دل برج بزرگ (نگارندگان)

۸۲۶)؛ مطلبی که مشاهدات و بررسی‌های نگارندگان در قلعه رشیدی، آن را تأیید کرد. وجود بدنه و پایه ستون همراه با سنگ قبرهایی که متعلق به زمان رشیدالدین بوده، به‌ویژه سنگی که تاریخ ۷۱۱ ه.ق. را دارا بود، در دل برج بزرگ قرار داشتند (شکل ۵)؛ این اوصاف، موافق مندرجات عالم‌آرای عباسی است (شکل‌های ۵ و ۶). در سال ۷۱۱ ه.ق.، ساختمان ربع رشیدی تمام شده بود. در نقشه‌های دوره قاجار از جمله؛ نقشه سال ۱۲۹۷ ه.ق. سرهنگ قراجه داغی (فخاری تهرانی و همکاران، ۱۳۸۵: ۴۴) متعلق به ۱۳۶ سال قبل، تپه مورد بحث "قلعه رشیدی" نام‌گذاری شده و مردم محلی امروزه نیز آنجا را به‌عنوان قلعه رشیدی و نه "ربع رشیدی" می‌شناسند؛ نگارندگان، این مطلب را در اسناد خانه‌ها و زمین‌های صاحبان اطراف محل مشاهده نمودند (جدول ۲). شکی باقی نماند که فضای موجود بر خلاف باور رایج محافل علمی و اجرایی، آن ربع رشیدی موصوف نیست، بلکه جزئی دگرگون‌شده از آن مکان است. وجود شواهد و آثاری از برج و باروی قلعه رشیدی، امکانی برای ما فراهم ساخت تا بتوانیم نقشه سه بعدی و دقیق آن را ترسیم کنیم (شکل‌های ۷ و ۱۰). این مدارک و شواهد نشان می‌دهند که گنجاندن گستره عناصر ربع رشیدی در داخل قلعه فعلی (شکل ۹)، اقدامی بر مبنای پیش‌فرضی دور از واقعیت است. نمودار شکل ۱۱، گستره وسیع‌تری از ربع و شهرستان رشیدی را به نمایش می‌گذارد.

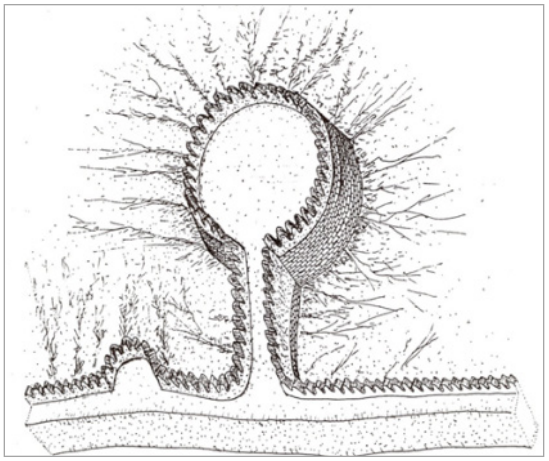

شکل ۷. طرح بازسازی برج بزرگ جنوبی توسعه آماج (نگارندگان)

شکل ۸. برج بزرگ قلعه رشیدی که ویلبر آن را رصدخانه نامید (نگارندگان)

شکل ۹. عکس هوایی ۱۳۳۵ منطقهٔ ربع رشیدی و قلعه رشیدی (سازمان نقشه‌برداری، ۱۳۳۵)

شکل ۱۰. طرح بازسازی قلعه رشیدی (نگارندگان)

مسلم است که این تعداد محلات و عناصر شهری، در سایت ده هکتاری قلعه فعلی نمی‌گنجند.

یافته‌های اساسی تحقیق

نگارندگان با چند دلیل و مدرک انکارناپذیر، متوجه وجود تناقضات در نظریات موجود درباره اطلاق مکان ربع رشیدی شدند:

الف) تطبیق سرانگشتی سایت موجود یک هکتاری قلعه رشیدی با اوصاف خواجه رشیدالدین از ربع رشیدی و شهرستان رشیدی که علاوه بر دارا بودن تأسیسات روضه، در حد یک دانشگاه جامع با محلات مختلف، دارای ۲۴ کاروانسرا و هزار و پانصد دکان و سی هزار خانه (ابرقوهی، ۱۳۵۸: ۲۸۸) بوده که نمی‌توانست در مکان مورد اشاره موجود با وسعتی در محدوده‌ای بسیار اندک بگنجد. اگر گذرها را برای سی هزار خانه، ۲۰ درصد در نظر گرفته و اضافه کنیم، ناهمگونی و تناقض در موضوع، بیشتر و آشکارتر می‌شود. همچنین، وضعیت توپوگرافی و ناهمواری‌های موجود و کم بودن وسعت قلعه، استقرار کل روضه و ربع رشیدی را فقط در آن قسمت منتفی می‌نماید. نادیده گرفتن اندازه و وسعت قلعه با اندازه داده‌های وقف‌نامه، وجه مشترک نظرات ارائه‌شده درباره این موضوع است.

ب) یافتن مدارک باستان‌شناسی در دل برج بزرگ (جنوبی) که بارزترین آنها، سنگ‌های قبور متعلق به زمان رشیدالدین هستند؛ به‌ویژه کتیبه تاریخ‌داری که سال ۷۱۱ هجری در آن درج شده بود (شکل ۵). این تاریخ، مربوط به زمانی است که ساختمان ربع رشیدی در آن هنگام پایان یافته بود. مسلم است که کاربرد سنگ قبر مرده‌ای بلافاصله پس از مرگ او در ساختمان ربع رشیدی آن هم توسط خواجه، نمی‌توانست منطقی باشد. داخل برج، بدنه ستون و پایه ستون‌هایی استفاده شده بود که غیرعادی بودن این ساخت‌وساز را نشان داده (شکل ۶) و مندرجات تاریخ عالم‌آرای عباسی را تأیید می‌کرد که این قلعه، زمان شاه عباس صفوی و به دستور وی با استفاده از بقایای آثار ربع رشیدی، در مقابل سپاه عثمانی ساخته شد (ترکمان، ۱۳۵۰: ۸۲۶). پس بر خلاف نظر ویلبر، برج مذکور، رصدخانه نبوده؛ چرا که در هیچ‌کدام از نوشته‌های خواجه، به ساخت رصدخانه اشاره‌ای نشده است. لذا می‌توان گفت بقایای عمده ربع رشیدی، در زیر ساختمان‌های احداث‌شده در حوالی آن قلعه قرار دارند. حداقل ۸ دلیل متقن برای اثبات موضوع وجود داشته که عبارت هستند از:

۱. وقف‌نامه ربع رشیدی، از قلعه‌های رشیدآباد سخن به میان آورده است که تا کنون به آنها توجهی نشده بود (همدانی، ۲۵۳۶ (۱۳۵۶): ۱۹۲).
۲. دلایل و اسناد تاریخی: طبق مندرجات عالم‌آرای عباسی، در سال ۱۰۲۰ هجری به دستور شاه عباس، قلعه‌ای در محله ربع رشیدی با استفاده از بقایای ساختمانی ربع رشیدی، نوسازی و استحکام‌بخشی شده است (ترکمان، ۱۳۵۰: ۸۲۶).
۳. اطلاعات نقشه‌های تاریخی: قدیمی‌ترین نقشه‌های شهر تبریز از جمله؛ نقشه سرهنگ قراجه داغی و نقشه اسدالله خان مراغه‌ای که دوره قاجار تهیه شده، نام محل را نه ربع رشیدی، بلکه قلعه رشیدی ثبت کرده‌اند (جدول ۱).
۴. ناسازگاری مساحت قلعه فعلی با اوصاف و وسعت ذکرشده در کتب خواجه رشیدالدین با فرضیات رایج (گنجاندن ربع رشیدی در قلعه). وسعت قلعه، حدود ۱۳ هکتار

شکل ۱۱. نمودار کهریزهای رشیدآباد با ۱۶ لوله رشیدی شامل نام محلات و دروازه‌ها بر اساس متن وقف‌نامه (نگارندگان)

است؛ با محاسبات ساده می‌توان برآورد کرد که ربع رشیدی با تأسیسات وسیع علمی آموزشی که برای تحصیل ۶ هزار دانشجو با سی هزار خانه (حداقل ۲۰ درصد مساحت گذرها را نیز می‌توان به آن افزود) و بیست و چهار کاروانسرا و ۱۵۰۰ دکان و سایر فضاها (جدول ۳) طراحی شده بود، چه وسعتی را می‌توانست اشغال کند. وضعیت توپوگرافی این مکان و داشتن برج و بارو، بیشتر با فرم قلعه نظامی سازگاری دارد تا با شهرستانی که وسعت بسیار بزرگ‌تری داشته است.

۵. کثرت دروازه‌های شهرستان رشیدی: شهرستان رشیدی بنا به تصریح وقف‌نامه، دارای ۴ دروازه بود (شکل ۱۱)؛ اما قلعه فعلی، یک یا حداکثر ۲ دروازه دارد (شکل ۱۰).

۶. اطلاق قلعه توسط مردم: در حال حاضر، مردم ساکن محل نیز این مکان را به‌عنوان قلعه رشیدی می‌شناسند (اسناد ملکی خانه‌ها بند ۳ جدول ۲).

۷. سازگاری وضع فعلی قلعه با مندرجات متون تاریخی: مشاهده کاربرد مصالح ساختمانی در دل برج‌های قلعه، نقل عالم‌آرای عباسی را تأیید می‌کرد (شکل‌های ۵ و ۶). داده‌های باستان‌شناسی: سرانجام این که کاوش‌های باستان‌شناسی نیز نظرات نگارندگان را تأیید کردند. متأسفانه در مرمت‌های اخیر، این مدارک باارزش پوشانده شدند.

۸. در این پروژه به شیوه سیستماتیک، نخست، تعداد و موقعیت و مقیاس فضاها از متن وقف‌نامه به‌صورت جداول مجملی استخراج شد (جداول ۳ و ۴) و طی فرآیند تبدیل متن به جدول، نمودارهایی استخراج شدند تا مقیاس نسبی فضاها معین شود (شکل ۱۲) و در این رابطه، وقف‌نامه، تعداد روشنایی‌های فضاها را ذکر کرده که از اطلاعات آنها به‌منظور تعیین مقیاس استفاده شده و در نتیجه، تبدیل آنها به نقشه میسر شد که یکی از ابتکارات این پروژه است (شکل‌های ۱۳، ۱۴ و ۱۵). در نتیجه، با ترسیم نزدیک به واقع روضه ربع رشیدی به‌عنوان عنصر سازمان‌دهنده مجموعه، توانستیم طرح شماتیک شهرستان را نیز بر اساس مندرجات وقف‌نامه به‌دست بیاوریم (شکل ۱۵). تحقیقات نگارندگان روی وقف‌نامه و کتاب‌های رشیدالدین، منجر به کشف اوراق مفقودشده وقف‌نامه شد که مرحوم ایرج افشار هم تأیید کردند (شکاری و طاووسی، ۱۳۸۴: ۳۲۹).

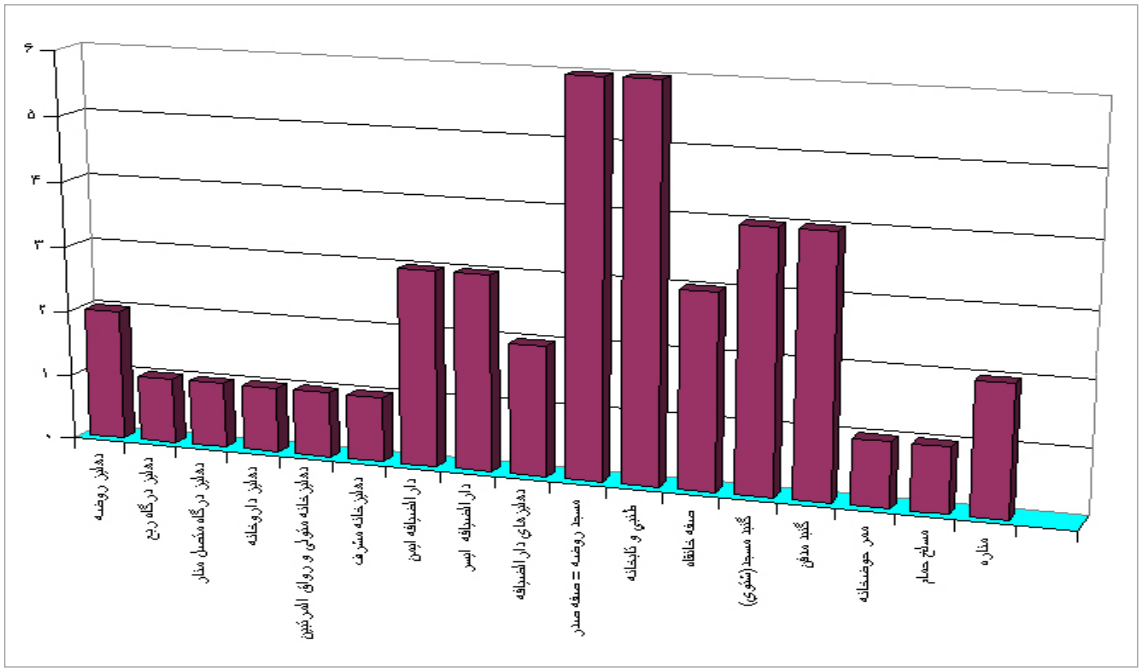

شکل ۱۲. نموداری برای تخمین مقیاس فضاهای ربع رشیدی که بر اساس تعداد روشنایی‌های فضاهای مربوط به جدول ۳ ترسیم شد و شکل ۱۴ هم با استفاده از آن ترسیم شد (نگارندگان)

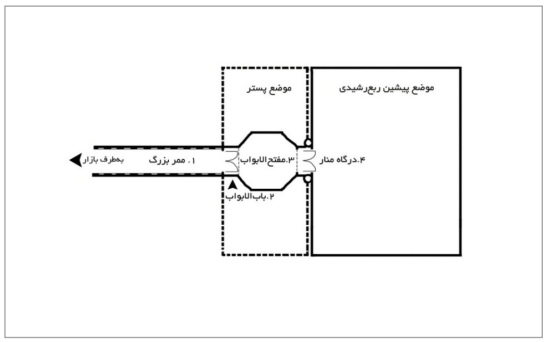

شکل ۱۳. طرح کلی ربع رشیدی و سلسله مراتب فضایی بر اساس وقف‌نامه (نگارندگان)

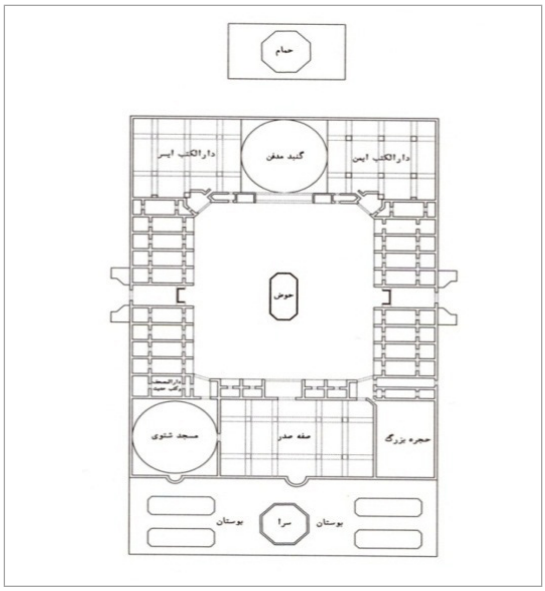

شکل ۱۴. طرح بازسازی روضه ربع رشیدی بر اساس جداول ۳ و ۴ و شکل ۱۲ (نگارندگان)

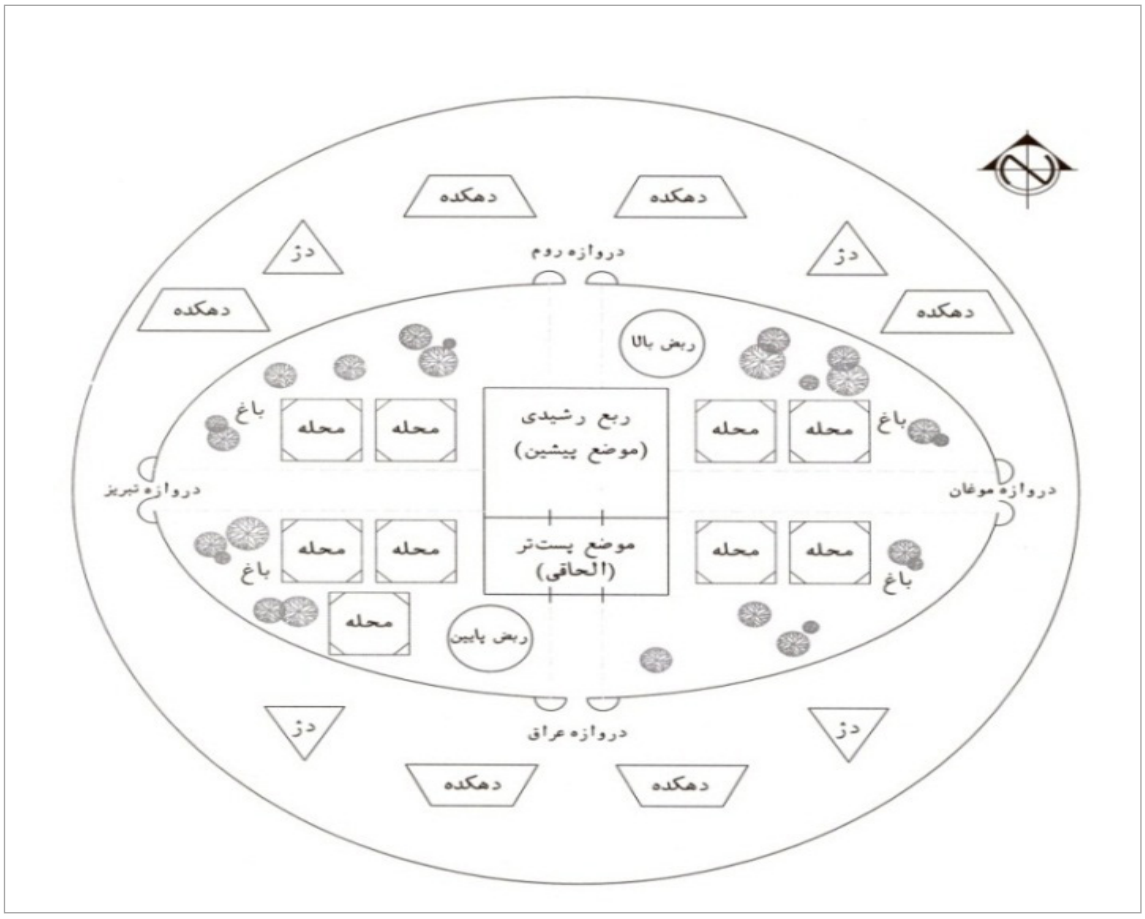

شکل ۱۵. طرح شماتیک و کلی شهرستان رشیدی و اجزای آن بر اساس مندرجات وقف‌نامه ربع رشیدی و شکل ۱۲ (نگارندگان)

نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر، طرح کلی قلعه رشیدی را مشخص کرده است و مغایرت طرح‌های ارائه‌شده از ربع رشیدی در فضای موجود قلعه را آشکار نمود و فرضیات رایج را با چالش جدی مواجه ساخت. قلعه‌ها معمولاً یک در بیشتر ندارند؛ قلعه رشیدی نیز همان‌گونه بوده، ولی وقف‌نامه، از وجود چهار دروازه در ربع رشیدی سخن به میان آورده است. معلوم شد که ابعاد رشیدآباد بسیار گسترده‌تر از آن بوده که در مکان فعلی قلعه رشیدی بگنجند. این پژوهش مشخص نمود که اطلاق کلیت ربع رشیدی به قلعه رشیدی، امری دور از واقع است؛ چرا که تمام اسناد موجود حتی سند اصیلی چون وقف‌نامه ربع رشیدی، از وجود دژهایی در رشیدآباد حکایت می‌کند که تا کنون به آنها توجه نشده بود و قلعه فعلی، یکی از قلاع زمان خواجه رشیدالدین فضل‌الله بوده که بنا به تصریح تاریخ عالم‌آرای عباسی، در زمان شاه عباس صفوی، بازسازی و استحکام‌بخشی شده است. البته این اتفاق، موجب تخریب‌های مضاعف در سایر بخش‌های ربع رشیدی در آن زمان شده است. در نتیجه، این قلعه را باید جزئی بسیار کوچک از مجموعه بزرگ ربع رشیدی تلقی کرد. ردیابی و بازسازی طرح کلی قلعه رشیدیه، از دیگر دستاوردهای این تحقیق است. ترسیم جداول مجموع فضاها و نمودار سیستم آب‌رسانی و آبیاری شهرستان رشیدی، با استفاده از فصل شانزدهم وقف‌نامه، دستاوردی برای درک وسعت و عظمت ربع رشیدی بوده که خود، گامی برای شناسایی بهتر و دقیق‌تر از کل مجموعه احداثی خواجه است. این پژوهش، شناسایی موقعیت ربع رشیدی و شهرستان رشیدی و حدود دروازه‌های آن را تا حدودی فراهم کرد که می‌تواند پایه‌ای برای ترسیم نقشه‌های شماتیک نزدیک به واقع از ربع رشیدی شود. نخست؛ نظر ویلبر در اطلاق ربع رشیدی به قلعه رشیدی بر اساس ۸ دلیل مستند، رد شد و دوم این‌که ویلبر، برج بزرگ قلعه را رصدخانه فرض کرده بود، اما مشاهدات و مطالعات میدانی و یافته‌ها از برج مذکور، تناقضی را با کاربری اعلام‌شده نشان می‌داد؛ از جمله این یافته‌ها، سنگ قبر تاریخ‌داری از سال ۷۱۱ هجری بود. ترسیم طرح کامل پلان قلعه و موقعیت آن نشان داد که این برج، جزئی از قلعه بوده و زمان صفوی احداث شده است. مقایسه طرز ساخت و آثار موجود، بر خلاف نظر ویلبر و موافق مندرجات عالم‌آرای عباسی بود. تعدد ادله مستند، منجر به اثبات فرضیه‌های نگارندگان شد. اغتشاشات موجود روی نقشه‌های معاصر هم تصحیح شدند. در نهایت، تعداد و موقعیت و مقیاس فضاها از متن وقف‌نامه استخراج شد و طی فرآیند تبدیل متن به جدول و استخراج نمودارهای مرتبط، تبدیل آنها به نقشه میسر شد. یکی از ابتکارات مهم پروژه این است که نقشه واقعی‌تر به‌جای طرح صرفاً تخیلی و غیرواقعی، ترسیم شد.

منابع و مآخذ

- ابرقوهی، مولانا محمد (۱۹۴۵). **مکاتبات رشیدی**. به اهتمام پروفسور محمد شفیع، لاهور پاکستان: پنجاب ایجو کیشنل پریس.
- _____ (۱۳۵۸). **سوانح‌الافکار رشیدی**. به کوشش محمدتقی دانش پژوه، تهران: دانشگاه تهران.
- بلالی اسکویی، آزیتا؛ کی‌نژاد، محمدعلی و نقره‌کار، عبدالحمید (۱۳۸۹). طرح فرضی «ربع» و «شهرستان» رشیدی. *صفه*، ۲۰ (۵۰)، ۷۶-۵۱.
- بلر، شیلا (۱۳۸۷). معماری و جامعه در دوره ایلخانیان (تحلیل وقف‌نامه ربع رشیدی). ترجمه مهرداد قیومی. *گلستان هنر*، (۱۳)، ۷۳-۴۸.
- بلیلان اصل، لیدا (۱۳۹۳). بررسی تحول ساختار فضائی شهر تبریز در دوره قاجار با استناد به نقشه‌های تاریخی. *دو فصلنامه تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، ۴ (۸)، ۵۵-۳۳.
- ترکمان، اسکندربیگ (۱۳۵۰). **تاریخ عالم‌آرای عباسی**. به کوشش ایرج افشار، چاپ دوم، جلد دوم، تهران: امیرکبیر.
- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف‌الله (۱۳۵۰). **ذیل جامع‌التواریخ رشیدی**. به کوشش خانبا بیانی، چاپ دوم، تهران: انجمن آثار ملی.
- روح‌انگیز، لاله (۱۳۸۵). ربع رشیدی تبریز گزارش مقدماتی گمانه‌زنی. **مجموعه مقالات سومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران**. جلد سوم. تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری (پژوهشگاه). ۴۶۶-۴۴۹.

- سازمان نقشه‌برداری کشور (۱۳۸۱). **نقشه تبریز**.
- _____ (۱۳۳۵). **عکس هوایی تبریز**.
- سعیدنیا، احمد (۱۳۷۹). پژوهشی در ربع رشیدی. *هنرهای زیبا*، (۷)، ۶۰-۴۹.
- _____ (۱۳۸۱). بازآفرینی شهرستان رشیدی. *هنرهای زیبا*، (۱۱)، ۴۰-۲۹.
- شاردن، ژان (۱۳۴۹). **سیاحت‌نامه**. ترجمه محمد عباسی، چاپ دوم، جلد دوم، تهران: امیرکبیر.
- شکاری نیری، جواد (۱۳۸۴). یافته‌هایی از طرح شنب غازان پدیده شهری عصر ایلخانی. *هنرهای زیبا*، (۲۴)، ۸۰-۷۳.
- شکاری نیری، جواد و طاووسی، محمود (۱۳۸۴). بازیابی اوراق مفقود وقف‌نامه ربع رشیدی. *نامه بهارستان*، سال پنجم (۱ و ۲)، ۳۳۲-۳۲۹.
- فخاری تهرانی، فرهاد (۱۳۷۹). نقشه دارالسلطنه تبریز ۱۳۲۷ قمری اسدالله خان مراغه. *اثر*، ۲۱ (۳۱ و ۳۲)، ۱۸۱-۱۷۷.
- فخاری تهرانی، فرهاد؛ پارسی، فرامرز و بانی مسعود، امیر (۱۳۸۵). **بازخوانی نقشه‌های تاریخی شهر تبریز**. تهران: شرکت عمران و بهسازی شهری ایران.
- کارنگ، عبدالعلی (۱۳۷۴). **آثار باستانی آذربایجان آثار و ابنیه تاریخی شهرستان تبریز**. چاپ دوم، جلد اول، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- کاشانی، ابوالقاسم (۱۳۴۸). **تاریخ الجایتو**. به تصحیح مهین همبلی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- کربلایی، حافظ حسین (۱۳۴۹). **روضات‌الجنان جنات‌الجنان**. به تصحیح جعفر سلطان قرائی، چاپ اول، جزء ثانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۷۸). **تاریخ گزیده** (تألیف سنه ۷۳۰ ه.). به کوشش ادوارد براون، تهران: دنیای کتاب دوم.
- مهریار، محمد؛ فتح‌الله یف، شامیل؛ فخاری تهرانی، فرهاد و قدیری، فرهاد (۱۳۷۸). **اسناد تصویری شهرهای ایرانی دوره قاجار**. چاپ اول، تهران: دانشگاه شهید بهشتی و سازمان میراث فرهنگی کشور.
- نادرمیرزا (۱۳۶۰). **تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز**. با مقدمه محمد مشیری، چاپ سوم، تهران: اقبال.
- وصاف‌الحضره، شهاب‌الدین عبدالله (۱۳۷۲). **تحریر تاریخ وصاف**. به قلم عبدالحمید آیتی، چاپ دوم، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه)
- ویلبر، دونالد (۱۳۶۵). **معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانی**. ترجمه عبدالله فریار، چاپ دوم، تهران: علمی فرهنگی.
- همدانی، خواجه رشیدالدین فضل‌الله {۲۵۳۶ (۱۳۵۶)}. **وقف‌نامه ربع رشیدی**. به‌کوشش مجتبی مینوی و ایرج افشار، تهران: انجمن آثار ملی.

- Blair, S. (1984). "Ilkhanid Architecture and Society: An Analysis of the Endowment Deed of the" Rab-e-Rashidi**, IRAN**, VOL. XXII,. London. P.67-81.
- Behboodi, N., Kiani, A., & Heydari, A. (2011). A historical reflection of the University of Rabe Rashidi, Iran**, African Journal of History and Culture**, Vol.3(9), pp. 140-147, I:10.5897/AJHC11.032pp.140-147 Hoffman, Birgitt, (2000). **Wagf Im Mongolichen Iran**, Franz Stiner Verlag,Stuttgar,t PP.112-115.
- Fragner, B. G. (1991). "Rašiduddin Faḍlallāh as the Perfect Organizer: The Case of the Endowment Slaves and Gardens of the Rabʿ-i Rašidi," in et al., eds., **Proceedings of the Second European Conference of Iranian Studies**: Held in Bamberg, 30th September to 4th October, Serie Orientale Roma 73, Rome, 1995, pp. 287-96.
- Pfeiffer, J. (2014). In pursuit of Memorial and Salvation: Rashīd al-Dīn and His Rashīdī, ed., **Politics, Patronage and the Transmission of Knowledge in 13th-15th Century Tabriz**, Leiden, pp.171-86
- Wilber, D. & Minovi, M. (1938). Notes on the Rab-i-Rashidi, **Ami**, Iranian Art and Archaeology. V. 3, pp. 247-254 Wilber, no, 34, pp. 129-31.

- Wilber, D. & Minovi, M. (1938). “Notes on the Rabʿ-i Rashīdī**,” --Bulletin of the American Institute of Iranian Art and Archaeology**, v. 5, pp. 247-59.

Received: 2017/10/02
Accepted: 2019/07/24

Rab-e Rashidi and Reviewing Regeneration Projects and Contemporary Peripheral Studies

Javad Shekari Niri* **Mahmoud Tavousi**** **Farhad Fakhari Tehrani*****

Abstract

Performing field studies on the Tabriz Rab-e Rashidi site reveals contradictions and poses a serious challenge to the views presented; one of them was the disparity between the information about existing and printed geographical maps with the discussed location. The second point is the non-compliance of presented regeneration plans in the current location and the reality, the scale and the principle of descriptions of Rab-e Rashidi in the deed of endowment, Savaneh Al-Afkar and other historical documents. The present studies have seriously questioned the results of the previous studies and raised several questions; whether the current enclosure, called Rashidi castle, was the original Rab-e Rashidi or a part of a larger complex? The first hypothesis of the research is that Rab-e Rashidi described in the deed of endowment in a large scale cannot fit in the current enclosure with a few hectares. The second question of this study is that why is the large tower locate in the south part of the castle which was previously considered as an observatory, unusually built at the lowest point? The second hypothesis of this study is that the observatory tower is usually built at the highest level, so the mentioned tower does not have an observatory use, and it is only defensive. The results of the study revealed that the current location of Rashidi castle, contrary to previous assumptions, could not be the entire Rab-e rashidi, but part of Rashid Abad. Historical maps, documents, and narratives of locals introduce this location as Rashidi castle. The present project has obtained the complete plan of the tower and the fortification of the manipulated castle during the Safavid era, and has also recreated its three-dimensional design. The general design of Rab-e Rashidi Rotheh plan and also architectural spaces were extracted as a table and turned into diagrams by referring to the text of the deed of endowment. The map of Rotheh was drawn by using them and based on a somewhat realistic scale. Field research has shown that there are not many works left from Rab-e Rashidi described in the deed of endowment. The purpose of publishing the results of the research is expressing the facts and events of Rab-e Rashidi as the most important scientific and academic phenomena in Iran during the eighth century, which has been done based on principled and cognitive documentary critique.

Keywords: Deed of Endowment of Rab-e Rashidi, Rashid Abad Fortress, Map of Colonel Qarajeh Daghi, Contradictions of the Wilber Plan, Rashidi County

* Assistant Professor, Department of Renovation and Restoration of Historical Buildings, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran.

** Professor, Art faculty, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

***Associate Professor, Architecture Faculty, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.